

تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های فرایند انگیزش در تربیت اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا*

اسحاق اکبری**

مجید طرقي***

محمد شریفی نیا****

چکیده

انگیزش، یکی از مؤلفه‌های بنیادین فرایند تربیت است که نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی رفتارهای یادگیری، رشد شخصیت و دستیابی به اهداف تربیتی ایفا می‌کند. از آن‌جا که رویکردهای مختلف روان‌شناختی و دینی، برداشت‌های گوناگونی از خاستگاه و سازوکار انگیزش دارند، پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های انگیزشی در دو چارچوب نظری تربیت اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا می‌پردازد. روان‌شناسی انسان‌گرا، به‌عنوان یکی از جریان‌های تاثیرگذار در روان‌شناسی معاصر، بر ارزش‌های انسانی مانند آزادی، خودمختاری، خودشکوفایی و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی، وجودی و شناختی انسان، تأکید دارد و بر این باور است که تربیت باید بستر تحقق «خود اصیل» را فراهم آورد. در مقابل، تربیت اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی،

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۳/۱۰. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده مسئول با عنوان «الگوی ایجاد انگیزش در تربیت از دیدگاه اسلام و مقایسه آن با روان‌شناسی انسان‌گرا» است که در جامعة المصطفی (ع) العالمية دفاع شده است.

** دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، جامعة المصطفی (ع) العالمية، مؤسسه عالی علوم انسانی اسلامی، افغانستان (نویسنده مسئول)
akbari6070@gmail.com

*** گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی (ع) العالمية، قم، ایران.
majidtoroghi40@gmail.com

**** گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی (ع) العالمية، قم، ایران.
mohammadsharifinia1963@gmail.com

فطرت الهی، اراده آزاد و گرایش انسان به کمال و قرب الهی است و بر جهت‌دهی انگیزه‌ها به‌سوی اهداف متعالی تأکید دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که «مؤلفه‌های فرایند انگیزش در تربیت اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا، کدام‌اند و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها چیست؟». یافته‌ها حاکی از آن است که هر دوروی‌کرد، بر اهمیت انگیزش در فرایند تربیت تأکید دارند. با این تفاوت که در هدف نهایی، خاستگاه انگیزه‌ها، نقش معلم، روش‌های برانگیختن و ارزیابی تربیت، اختلاف‌های بنیادینی میان آن‌ها مشاهده می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تربیت اسلامی با تکیه بر ابعاد فطری و غایت‌مند انسان، از ظرفیت بی‌بدیلی برای ایجاد، تقویت و هدایت انگیزش‌های پایدار برخوردار است. واژگان کلیدی: فرایند انگیزش، تربیت اسلامی، روان‌شناسی انسان‌گرا، خودشکوفایی، خودمختاری، تحلیل تطبیقی، کرامت انسانی.

مقدمه

انگیزش، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین تربیت، نقشی اساسی در ارتقای یادگیری، جهت‌دهی رفتارهای تحصیلی و شکوفایی توان‌مندی‌های انسانی ایفا می‌کند. فقدان انگیزش، رشد شناختی، عاطفی و رفتاری را به‌مخاطره می‌اندازد (Deci & Ryan, 1985).

از این رو، فرایند انگیزش در نظام‌های تربیتی، همچون زنجیره‌ای پویا، از مرحله تحلیل نیاز^۱ تا بازخورد و ارزیابی^۲ استمرار می‌یابد و بازتابی از پیوند میان انگیزه‌های درونی^۳ و ارزش‌های بنیادین تربیتی است.

در این میان، نظام تربیت اسلامی به‌مثابه نظامی جامع، توحیدی و غایت‌نگر، بر بنیادهایی چون فطرت الهی، کرامت ذاتی انسان، اراده آزاد و هدف‌مندی حیات استوار است و تربیت را فرایندی در جهت تقرب به‌خداوند، شکوفایی استعداد‌های فطری و سلوک معنوی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۰). در این روی‌کرد، انگیزش نه‌تنها نیرویی در خدمت یادگیری، بلکه ابزاری برای صعود روح، به‌مراتب قرب الهی است.

1. Needs Analysis.

2. Feedback and Evaluation.

3. Intrinsic Motivation.

در سوی دیگر، روان‌شناسی انسان‌گرا به‌عنوان یکی از جریان‌های مهم روان‌شناسی معاصر غرب، با روی‌کردی انسان‌مدار، انگیزش را محصول تلاش فرد، برای تحقق خویشتن، رضایت درونی و پاسخ به‌نیازهای عالی روانی معرفی می‌کند. این مکتب‌هایی که بر اصولی چون خودمختاری^۱، خودشکوفایی^۲ و خودآگاهی^۳ استوار است، بر این باور است که هر انسان بالقوه واجد توان رشد، معناجویی و تحقق خویشتن است (Maslow, 1943؛ Rogers, 1961).

با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی هستی‌شناسی و غایت‌شناسی این دو نظام تربیتی - یکی الهی و معادمحور و دیگری انسان‌محور و اومانیستی - اشتراکاتی نیز میان آن‌ها دیده می‌شود. تأکید بر انگیزش درونی^۴، نقش محیط رشد^۵ و اهمیت ادراک مثبت از خود. این هم‌پوشانی مفهومی، ضرورت تحلیل تطبیقی این دو دیدگاه را در جهت طراحی نظام‌های آموزشی انگیزه‌محور، معنادار و انسان‌ساز برجسته می‌سازد.

در گستره پژوهش‌های انگیزشی، بیشتر مطالعات پیشین یا گرفتار تک‌ساحتی‌نگری‌اند یا فاقد نگرش تطبیقی و فرآیندی میان روان‌شناسی انسان‌گرا و آموزه‌های اسلامی. پژوهش حاضر با نگاهی نو و تلفیقی، تلاشی هوش‌مندانه برای پر کردن این خلأ مفهومی و کاربردی در تربیت به‌شمار می‌آید. در حالی که شجاعی (۱۳۹۱) با تمرکز بر مبانی انسان‌شناختی، چارچوبی نظری اما غیر کاربردی ارائه کرده و بخشی (۱۳۸۰) فاقد مدل‌سازی اجرایی است. نگاه مدیریتی الوانی و پیروز (۱۳۸۳) نیز با وجود پیشنهاد طبقه‌بندی انگیزه‌ها به مادی، ترکیبی و الهی، فاقد روی‌کردی تربیتی - روان‌شناختی است. دیگر پژوهش‌ها نیز تنها به‌جنبه‌های خاص از انگیزش پرداخته‌اند. از انگیزش رفتاری (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۸) و ساختار نظری قرآن‌آلاشتی (۱۳۹۲) بر ساختار نظری قرآن، مهرابی (۱۳۸۷) بر حلقه‌های حدیثی، باقری (۱۴۰۰)

1. Autonomy.

2. Self-Actualization.

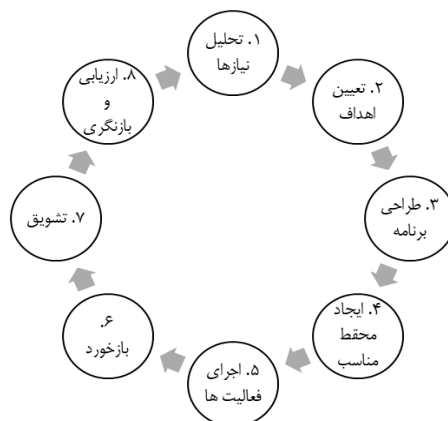
3. Self-Awareness.

4. Intrinsic Motivation.

5. Contextual Environment.

بر فرایند محتوایی سیره علوی و اخلاقی (۱۳۹۰) بر روش‌های تشویق قرآنی پرداخته‌اند. آنچه این پژوهش را متمایز می‌سازد، نه صرف گردآوری داده‌های دینی، بلکه پیوندی خلاقانه میان حکمت وحی و روان‌شناسی انسان‌مدار است. الگویی پویا و چندلایه که با تمرکز بر متغیرهای تحلیل نیاز، تعیین هدف، طراحی برنامه، ایجاد فضای انگیزشی، فعالیت هدف‌مند، بازخورد، تشویق، ارزیابی و بازنگری، می‌کوشد به‌نیازهای انگیزشی و روانی فراگیران پاسخی جامع، عمیق و تربیتی دهد. الگویی که در عمق، ریشه در هدایت الهی دارد و در سطح، با زبان علم و روان سخن می‌گوید.

شکل ۱ - مؤلفه‌های ایجاد انگیزش



بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های فرایندی انگیزش در تربیت اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا، در سه بخش ارائه می‌شود. ابتدا، مؤلفه‌های فرایندی انگیزش در تربیت اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، مؤلفه‌های فرایندی انگیزش در روان‌شناسی انسان‌گرا، با تأکید بر نظریات مازلو و راجرز، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، بخش سوم به تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رویکرد می‌پردازد تا افق‌های تازه‌ای در تربیت گشوده شود.

بخش اول؛ مؤلفه‌های الگوی انگیزش از دیدگاه اسلام

در این بخش، مبانی نظری انگیزش بر اساس آموزه‌های اسلام بررسی می‌شود. این مبانی

با تکیه بر عناصر بنیادین انسان‌شناختی، الهیاتی و تربیتی، به‌مثابه ریشه‌های شکل‌گیری انگیزش درونی و هدف‌مند در انسان شمرده می‌شوند. از جمله مؤلفه‌های مهم آن می‌توان به «جایگاه فطرت و اراده» و «نقش باورهای دینی مانند توحید، معاد و نبوت» اشاره کرد.

۱/۱. جایگاه فطرت و اراده در انگیزش

اسلام، انسان را موجودی فطرت‌مدار معرفی می‌کند که از درون خود، گرایش به‌خیر، حقیقت و کمال دارد. این دیدگاه ریشه در آیه شریفه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) دارد که به‌تعبیر بسیاری از مفسران، ناظر به سرشت خداجوی و حقیقت‌طلب انسان است (طباطبایی، ۱۳۷۴). فطرت، نیرویی درونی و نهفته در جان انسان است که او را بدون نیاز به محرک بیرونی، به‌سوی اهداف متعالی سوق می‌دهد. این کشش درونی، نوعی انگیزش ذاتی شمرده می‌شود که بستری مناسب برای تربیت ارزشی و اخلاقی فراهم می‌سازد. در کنار فطرت، اراده آزاد انسانی نیز به‌عنوان رکن اساسی در شکل‌گیری انگیزش هدف‌مند نقش ایفا می‌کند. برخلاف مکاتب جبرگرا، آموزه‌های اسلامی، انسان را موجودی مختار و مسئول می‌داند که می‌تواند مسیر زندگی خویش را آگاهانه انتخاب کند. آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ (رعد: ۱۱)، تجلی همین اصل تربیتی است. این آیه تأکید می‌کند که تغییرات بیرونی، مشروط به تحولات درونی و اراده‌مندی فردی است. چنین نگاهی، انگیزش را از حالت تنها واکنشی خارج کرده و آن را به‌فرآیندی ارادی، خودآگاه و متعالی تبدیل می‌کند.

۱/۲. نقش توحید، معاد و نبوت در انگیزش تربیتی

در تربیت اسلامی، برخی مؤلفه‌های بنیادین اعتقادی نقش پنهان اما عمیقی در جهت‌دهی انگیزش‌های انسانی ایفا می‌کنند. از جمله این مؤلفه‌ها، باور به یکتاپرستی، معاد و رسالت پیامبران است که اگرچه به‌ظاهر آموزه‌هایی کلامی‌اند، اما در لایه‌های زیرین روان‌شناختی و تربیتی، محرک‌هایی نیرومند برای رشد، تحول و خودسازی فردی به‌شمار می‌آیند.

۱. (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

توحید، نه تنها زیربنای جهان‌بینی اسلامی است، بلکه قوی‌ترین نیروی انگیزشی برای انسان شمرده می‌شود. فرد موحد تمامی تلاش‌های خود را در مسیر رضایت الهی تنظیم می‌کند: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱ (انعام: ۱۶۲).

از سوی دیگر، ایمان به معاد و باور به حساب‌رسی اعمال، عنصری درونی برای کنترل رفتار و تقویت انگیزش‌های مطلوب تربیتی به‌شمار می‌رود. باور به این‌که کوچک‌ترین اعمال انسان مورد سنجش و پاداش یا کیفر قرار می‌گیرد، نیرویی قوی برای خودتنظیمی در رفتار و جهت‌دهی مستمر به کنش‌های فردی ایجاد می‌کند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۲ (زلزال: ۷-۸). این باور، نه تنها بازدارنده از خطا و لغزش است، بلکه عاملی برانگیزاننده برای انجام اعمال نیک و پرثمر نیز شمرده می‌شود.

در این میان، نقش پیامبران الهی در هدایت انگیزش انسان‌ها انکارناپذیر است. آنان با بهره‌گیری از زبان محبت، نوید و بشارت و ترسیم غایت‌مندی زندگی، توانستند انگیزه‌های فطری انسان را بارور کرده و آنان را در مسیر رشد، کمال و بندگی هدایت کنند. پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان الگوی کامل تربیتی، با روش‌هایی چون ایجاد امید، تعلیم هدف‌مند و تأکید بر ارزش‌های معنوی، توانست انگیزش درونی یاران خود را تقویت کند و آنان را به‌قله‌های ایمان و عمل سوق دهد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۳ (احزاب: ۲۱).

۲. تحلیل نیازها در تربیت اسلامی

نیازهای انسانی در تربیت اسلامی به‌دو دسته نیازهای مادی و معنوی تقسیم می‌شوند. نیازهای مادی شامل احتیاجات اولیه‌ای همچون خوراک، پوشاک، مسکن و امنیت است که بستری برای رشد فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۳). اما نیازهای معنوی

۱. بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

۲. پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند!

۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه و تحقّق: علامه طباطبائی، المیزان، ج ۶، ذیل آیه ۱۶۲ سوره انعام؛ جوادی آملی، عبدالله. معاد در قرآن، مرکز نشر اسراء؛ سبحانی، جعفر. فلسفه وحی و نبوت، نشر بوستان کتاب.

که شامل معرفت، عبادت، اخلاق و معنویت هستند، جایگاهی والاتر دارند و به کمال و سعادت حقیقی انسان منتهی می‌شوند (صدر، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۴۵).

در این میان، کرامت انسانی و تکامل روحی، محور اساسی انگیزش در تربیت اسلامی است. کرامت انسان از منظر اسلام به واسطه فطرت الهی و توانایی کسب کمال است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). تکامل روحی از طریق ایمان، عمل صالح و تزکیه نفس حاصل می‌شود و به انگیزه‌ای پایدار برای حرکت به سوی اهداف متعالی بدل می‌شود (سوره/۹-۱۰). در نتیجه، نیازهای انسان در اسلام تنها در سطح مادی محدود نمی‌شود، بلکه در امتداد تعالی روحی و قرب الهی تعریف می‌شود.

۳. تعیین اهداف در تربیت اسلامی

اهداف تربیتی در اسلام، دارای ساختاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است:
- اهداف کوتاه‌مدت به اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی مرتبط‌اند مانند ایجاد نظم و رعایت حقوق دیگران (شریعت‌مداری، ۱۳۷۵: ۶۴)؛

- اهداف میان‌مدت شامل ارتقای توانایی‌های شناختی و اخلاقی فرد، نظیر خودکنترلی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری است؛

- اهداف بلندمدت که نهایت و غایت تربیتی را تشکیل می‌دهند، رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است که از طریق شناخت، عبادت و عمل صالح محقق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۴۶).

در این راستا، تربیت اسلامی تنها به شکوفایی فردی بسنده نمی‌کند، بلکه آن را در پیوند با سعادت اخروی در نظر می‌گیرد. از منظر قرآن کریم، زندگی دنیوی مقدمه‌ای برای حیات جاودان است: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (القصص، ۷۷). بر این اساس، هدف نهایی تربیت اسلامی، پرورش انسان‌هایی است که نه تنها در دنیا به رشد و بالندگی می‌رسند، بلکه برای آخرت خویش نیز توشه‌ای ارزشمند فراهم می‌آورند.

۴. طراحی برنامه‌های انگیزشی در اسلام

برنامه‌های انگیزشی در نظام تربیتی اسلام، بر پایه اصولی استوار است که انسان را به حرکت

در مسیر کمال و سعادت ترغیب می‌کند. این برنامه‌ها از دو راهبرد اصلی بهره می‌برند: الگوسازی از شخصیت‌های دینی و به‌کارگیری شیوه‌های تشویق و تنبیه عادلانه.

استفاده از الگوهای دینی

یکی از راهکارهای مهم ایجاد انگیزه در تربیت اسلامی، اقتدا به سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است. شخصیت‌های دینی در اسلام به‌عنوان اسوه‌های حسنه معرفی شده‌اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الأحزاب، ۲۱). نقش الگویی این بزرگان از دو جهت اهمیت دارد:

- نخست، آنان الگوهایی عملی برای تربیت فضایل اخلاقی و انگیزه‌های متعالی هستند؛
- دوم، سیره آنان روش‌های موثر ایجاد انگیزه را به‌صورت عینی ارائه می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که آنان با محبت، مدارا، تکریم شخصیت و ایجاد حس مسئولیت در پی ایجاد انگیزه در انسان‌ها بودند (ابن‌هشام، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۴۲). برای مثال، امام علی (ع) در نهج‌البلاغه تأکید می‌کند که تربیت باید با مهربانی و درک ظرفیت‌های افراد باشد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۵. ایجاد محیط مناسب برای انگیزش در تربیت اسلامی

انگیزش در تربیت اسلامی وابسته به محیطی است که فرد در آن رشد می‌یابد. محیط تربیتی می‌تواند نقش مهمی در شکوفایی استعدادها و تقویت انگیزه‌های مثبت داشته باشد. در این میان، محیط اخلاقی و فرهنگی و نقش خانواده، جامعه و نهادهای دینی به‌عنوان عوامل کلیدی در ایجاد و تقویت انگیزش در نظر گرفته می‌شوند.

۵/۱. تاثیر محیط اخلاقی و فرهنگی بر انگیزش

محیط اخلاقی و فرهنگی سالم، بستری برای رشد انگیزه‌های مثبت فراهم می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (الرعد، ۱۱). این

آیه نشان می‌دهد که تغییر و اصلاح یک جامعه، در گرو تغییر باورها، ارزش‌ها و انگیزه‌های افراد آن است. اگر محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه بر پایه ارزش‌های الهی، عدالت و کرامت انسانی استوار باشد، انگیزه‌های مثبت در افراد شکوفا خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۵).

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۲). این بیان نشان می‌دهد محیطی که در آن آگاهی و معرفت رشد کند، انگیزه‌های مثبت را افزایش می‌دهد، اما محیطی که بر جهل، نابرابری و بی‌عدالتی استوار باشد، انگیزه‌های حقیقی افراد را از بین می‌برد.

محیط اخلاقی و فرهنگی بر انگیزش اثرگذار است. عدالت اجتماعی موجب افزایش تلاش و ارزش‌های اخلاقی و دینی باعث شکل‌گیری انگیزه‌های متعالی می‌شود. امنیت روانی و اجتماعی زمینه‌ساز انگیزش فردی و جمعی خواهد شد (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۷۵).

۵/۲. نقش خانواده، جامعه و نهادهای دینی در انگیزش

الف/۲.۵. نقش خانواده

خانواده، اولین نهاد اجتماعی است که انسان در آن شکل می‌گیرد. رفتار پدر و مادر، سبک تربیتی آن‌ها و میزان توجه به ارزش‌های دینی و اخلاقی، تاثیر مستقیمی بر انگیزش فرزندان دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ» (مسلم، ۱۴۲۱، ج ۴: ۲۰۴۸). این حدیث نشان می‌دهد که خانواده می‌تواند بستر انگیزش مثبت یا منفی را برای فرزندان فراهم کند. اگر خانواده، محیطی سرشار از محبت، عدالت و معنویت باشد، انگیزه‌های الهی در فرزندان تقویت خواهد شد.

ب/۲.۵. نقش جامعه

جامعه، به‌عنوان بستری گسترده‌تر از خانواده، بر انگیزش افراد تاثیرگذار است. در جامعه‌ای که ارزش‌های انسانی و الهی ترویج شود، انگیزه‌های مثبت در افراد رشد می‌کند. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا

أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان نشان می‌دهد که یک جامعه مبتنی بر عدالت و مهربانی، بستر انگیزش سازنده را فراهم می‌کند.

ج/۵/۲. نقش نهادهای دینی

نهادهای دینی مانند مساجد، مدارس دینی و مراکز فرهنگی مذهبی، نقش مهمی در ایجاد انگیزش معنوی و تربیتی دارند. این نهادها می‌توانند با ترویج آموزه‌های دینی، الگوسازی از شخصیت‌های بزرگ و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، انگیزه‌های الهی را در انسان‌ها تقویت کنند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِذَا مَرَّزْتُمْ بِرِیَاضِ الْجَنَّةِ فَازَتْعُوا؛ یعنی وقتی از باغ‌های بهشت گذر کردید، بهره ببرید. پرسیدند: وَمَا رِیَاضُ الْجَنَّةِ؟ فرمودند: حَلَقُ الذِّكْرِ (ترمذی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۵)».

محافل علمی و مذهبی نقش موثری در انگیزش روحی و فکری دارند. تربیت اسلامی برای تقویت انگیزه، نیازمند محیطی متکی بر عدالت اجتماعی، ارزش‌های دینی، خانواده سالم، جامعه اصلاح‌شده و حمایت از نهادهای فرهنگی و دینی است. هماهنگی این عوامل، زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه‌های الهی و پیشرفت انسان می‌شود.

۶. اجرای فعالیت‌های انگیزشی و نظام بازخورد در تربیت اسلامی

انگیزش در تربیت اسلامی، فرایندی مستمر و پویا است که نه تنها در مرحله برنامه‌ریزی و محیط‌سازی اهمیت دارد، بلکه در شیوه اجرای فعالیت‌های آموزشی و نظام بازخورد و ارزیابی نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. در این راستا، آموزش از طریق تجربه، مشارکت و مشاهده، یادگیری عملی و کاربردی و همچنین ارزیابی بر مبنای تقوا و عمل صالح از اصول کلیدی هستند که ریشه در آموزه‌های دینی دارند.

در تربیت اسلامی، روش‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که موجب درونی‌سازی انگیزه‌های مثبت شوند. از جمله راهبردهای کلیدی در این مسیر عبارت‌اند از:

۶/۱. آموزش از طریق تجربه، مشارکت و مشاهده

اسلام بر اهمیت تجربه مستقیم و یادگیری از طریق مشاهده و مشارکت فعال تأکید دارد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَالِهِمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱). این آیه نشان می‌دهد که تفکر و تجربه عملی، راهی برای درک عمیق‌تر مفاهیم است. هم‌چنین، پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمودند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ، وَرَثَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۴). این روایت، دلالت بر این دارد که عمل به‌دانش، موجب رشد و درک عمیق‌تر می‌شود، بنابراین، شیوه‌هایی مانند آموزش مشارکتی، یادگیری از طریق انجام کار و مشاهده الگوهای رفتاری صحیح، در تقویت انگیزه‌های تربیتی موثرند.

۶/۲. تأکید بر یادگیری عملی و کاربردی

تربیت اسلامی، تنها به‌دانش نظری بسنده نمی‌کند، بلکه بر عمل و کاربردی بودن دانش تأکید دارد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ، فَمَنْ عَلِمَ عَمَلًا، وَ مَنْ عَمِلَ عِلْمًا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۶). لذا، از این سخن نتیجه می‌گیریم که فرایند یادگیری باید همراه عمل و تجربه عملی باشد، تا منجر به انگیزش پایدار شود.

۷. تشویق در دیدگاه اسلامی

با تأمل در منابع اسلامی، تشویق نه‌تنها ابزار آموزشی، بلکه یک ارزش اخلاقی و تربیتی تلقی می‌شود که در خدمت تعالی انسان قرار دارد. آیات قرآن، مانند آیه شریفه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزال، ۷) و احادیث نبوی، از جمله حدیث «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۱: ۸۵)، جایگاه والای تشویق را در نظام تربیتی اسلام به اثبات می‌رسانند.

در این دیدگاه، تشویق مبتنی بر اصولی چون عدل (توزیع عادلانه پاداش)، عقلانیت (اتخاذ تصمیمات منطقی در تشویق) و تعهد (ارتباط تشویق با اهداف بلندمدت تربیتی) سامان می‌یابد. افزون بر این، تشویق در اسلام، با ایجاد تعادل میان مقاصد دنیوی و اخروی، به‌رشد جامع شخصیت و انگیزش درونی می‌انجامد.

۸. اصول طراحی و اجرای برنامه تشویق اسلامی

تشویق اثربخش در محیط‌های تربیتی اسلامی بر سه اصل کلیدی استوار است: الف.

عدالت در ارزیابی؛ ب. عقلانیت در انتخاب پاداش؛ ج. تعهد به مقاصد بلندمدت. مراحل اجرایی این فرایند شامل شناسایی نیازهای آموزشی و روانی، تعیین معیارهای عادلانه ارزیابی، طراحی نظام ترکیبی از پاداش‌های مادی و معنوی و ارزیابی اثربخشی برنامه است.

۹. بازخورد و ارزیابی در تربیت اسلامی

ارزیابی در تربیت اسلامی، تنها سنجش سطح دانش نیست، بلکه فرایندی مستمر برای اصلاح رفتار و ارتقای معنوی انسان است.

۱۰. معیارهای ارزشیابی بر اساس تقوا و عمل صالح

در اسلام، ارزش افراد بر اساس تقوا و عمل صالح سنجیده می‌شود، نه تنها دانش نظری. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳). این آیه بیان‌گر آن است که معیار ارزیابی افراد، تقوا و عمل کردن آن‌ها در عمل به آموزه‌های دینی است؛ بنابراین، ارزیابی در تربیت اسلامی نباید تنها بر آزمون‌های علمی استوار باشد، بلکه باید جنبه‌های اخلاقی و رفتاری را نیز در نظر بگیرد. در نظام ارزیابی اسلامی، معیارهایی چون پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، کاربرد عملی آموخته‌ها و انگیزه فرد برای اصلاح و رشد مستمر مورد تأکید قرار می‌گیرند (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۹۷).

۱۱. اهمیت خودارزیابی و اصلاح مستمر

خودارزیابی، یکی از اصول مهم در تربیت اسلامی است که موجب رشد فردی و افزایش انگیزش درونی می‌شود. امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «لَيْسَ مِثْلًا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا اسْتَزَادَ اللَّهُ مِنْهُ، وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَتَابَ إِلَيْهِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۳۸۳). این حدیث بیان‌گر آن است که ارزیابی مستمر عمل کرد، یکی از ابزارهای اساسی برای رشد انگیزشی و اصلاح رفتار است. به صورت خلاصه، در تربیت اسلامی، خودارزیابی از طریق محاسبه نفس، تأمل در رفتارهای گذشته و پذیرش بازخورد و انتقاد سازنده انجام می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

اجرای فعالیت‌های انگیزشی و نظام بازخورد در تربیت اسلامی، بر اساس اصولی مانند تجربه، مشارکت، مشاهده، یادگیری عملی، خودارزیابی و معیارهای ارزش‌یابی بر مبنای تقوا شکل می‌گیرد. این روش‌ها باعث می‌شوند انگیزش درونی در فرد تقویت شود و فرایند یادگیری به یک مسیر تکاملی تبدیل شود. بنابراین، هدف تربیت اسلامی، ایجاد انگیزه پایدار برای کسب دانش، عمل به آن و خوداصلاحی مستمر است.

جدول ۱- نظریه اسلام در مؤلفه‌های فرایندی انگیزش تربیتی

مؤلفه‌ها	توضیح در نظریه اسلامی
تحلیل نیازها	نیازهای انسان بر اساس فطرت الهی، نیازهای روحی و معنوی مانند کمال‌جویی و تقرب به خدا تحلیل می‌شود.
تعیین اهداف	اهداف تربیتی شامل قرب الهی، رشد معنوی، تهذیب نفس و مسئولیت‌پذیری بر اساس آموزه‌های دینی است.
طراحی برنامه	برنامه تربیتی مبتنی بر اصول اخلاقی، آموزه‌های وحیانی، سنت پیامبر و سیره اهل بیت تنظیم می‌شود.
ایجاد محیط مناسب	محیط تربیتی باید سرشار از معنویت، اخلاق اسلامی و الگوهای دینی باشد و بر اخوت و همبستگی تأکید کند.
اجرای فعالیت‌ها	آموزش از طریق عبادت، ذکر، عمل صالح، الگوگیری از پیشوایان دینی و روش‌های تربیتی اسلامی اجرا می‌شود.
بازخورد	بازخورد از طریق نصیحت، امر به معروف، نهی از منکر و توصیه‌های اخلاقی ارائه می‌شود.
تشویق	پاداش‌های معنوی مانند رضایت الهی، ثواب اخروی و ارتقای معنوی به عنوان عوامل تقویت انگیزه مطرح‌اند.
ارزیابی و بازنگری	میزان تحقق اهداف بر اساس معیارهای دینی، پای‌بندی به اخلاق و رشد معنوی ارزیابی و اصلاح می‌شود.

بخش دوم؛ مؤلفه‌های الگوی انگیزش در روان‌شناسی انسان‌گرا

روان‌شناسی انسان‌گرا، با محوریت کرامت انسانی، نگاهی متفاوت به انگیزش دارد. در این روی‌کرد، انسان موجودی خودآگاه، مختار و در حال شدن است که انگیزش او از درون می‌جوشد، نه از پاداش‌ها و محرک‌های بیرونی. برای تبیین دقیق‌تر این روی‌کرد، نخست باید به مبانی نظری آن در زمینه انگیزش پرداخته شود، سپس عناصر اساسی شکل‌گیری اهداف، نیازها و مسئولیت فردی بررسی شود.

۲/۱. مبانی نظری انگیزش در روان‌شناسی انسان‌گرا

روان‌شناسی انسان‌گرا، با تأکید بر اصالت وجودی انسان، انگیزش را نیروی درونی و فطری می‌داند که در پرتو خودشناسی، خودمختاری و شکوفایی فردی تجلی می‌یابد. این روی‌کرد، برخلاف دیدگاه‌های بیرونی‌محور، بر این باور است که انسان در ذات خود گرایش به رشد و تعالی دارد. آبراهام مازلو (Maslow, 1943) با ترسیم سلسله‌مراتب نیازها (نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق و تعلق، احترام و نیاز به خودشکوفایی)، نشان داد که انگیزش در بستر نیازهای فیزیولوژیکی تا خودشکوفایی سیر می‌کند، نقطه‌ای که انسان به کمال انسانی نزدیک می‌شود. کارل راجرز (Rogers, 1961) با تأکید بر خودشناسی و پذیرش بی‌قیدوشرط، شکوفایی را فرایندی طبیعی در بستری از امنیت روانی معرفی کرد. او معتقد بود که انسان‌ها دارای گرایش فطری به خودشکوفایی هستند و در محیطی که حمایت و پذیرش بی‌قیدوشرط فراهم باشد، انگیزه رشد درونی تقویت می‌شود.

در ادامه، دسی و رایان (Deci & Ryan, 1985) با معرفی نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory)، بر نقش خودشناسی (درک استعدادها، ارزش‌ها و احساسات شخصی)، خودمختاری (داشتن کنترل بر تصمیمات و جهت‌گیری‌های زندگی)، شکوفایی فردی (حرکت به سوی تحقق پتانسیل‌های درونی و رشد مداوم) و ارتباط اجتماعی در انگیزش درونی تأکید کردند. طبق این نظریه، انگیزش پایدار زمانی ایجاد می‌شود که افراد در محیط‌های یادگیری، احساس کنترل بر اهداف و مسیر رشد خویش داشته باشند (Deci & Ryan, 2000).

۲/۲. تحلیل نیازها در روان‌شناسی انسان‌گرا

روان‌شناسی انسان‌گرا بر این باور است که درک نیازهای درونی، پله‌ای برای رسیدن انسان به خودشکوفایی و تحقق ظرفیت‌های بالقوه او است.

۲/۲/۱. سلسله‌مراتب نیازهای مازلو

نظریه سلسله‌مراتب نیازها (Hierarchy of Needs) نشان می‌دهد که انسان ابتدا به‌تأمین نیازهای اساسی خود می‌پردازد و سپس به سطوح بالاتر انگیزش، همچون نیاز به خودشکوفایی، می‌رسد (Maslow, 1970). این سلسله‌مراتب به‌عنوان یک مدل پویای انگیزشی نشان می‌دهد که افراد برای رسیدن به رشد فردی، باید نیازهای خود را به‌ترتیب اولویت، برآورده سازند.

۲/۲/۲. اهمیت نیازهای روان‌شناختی اساسی

دسی و رایان (2000) در نظریه خودتعیین‌گری بیان می‌کنند که انگیزش درونی با تأمین سه نیاز اساسی روان‌شناختی شکل می‌گیرد: الف. خودمختاری (انتخاب آزادانه)؛ ب. شایستگی (احساس توان‌مندی)؛ ج. ارتباط (تعلق به دیگران). وقتی این نیازها برآورده شوند، انگیزش درونی افزایش می‌یابد (Ryan & Deci, 2017).

۲/۳. تعیین اهداف در تربیت انسان‌گرا

روی‌کرد انسان‌گرایانه در تربیت، بر نقش فعال و آگاهانه انسان در فرایند رشد تأکید دارد. در این دیدگاه، تعیین اهداف تربیتی نه از بیرون، بلکه باید از درون فرد و متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد او شکل گیرد.

۲/۳/۱. تأکید بر رشد فردی و تحقق خود

در روان‌شناسی انسان‌گرا، تعیین اهداف باید متناسب با استعدادها و علایق فردی باشد. راجرز (۱۹۶۱) معتقد بود که افراد زمانی بیش‌ترین انگیزه را دارند که اهدافشان بازتابی از ارزش‌ها و خواسته‌های درونی‌شان باشد.

۲/۳/۲. استقلال و مسئولیت‌پذیری در تعیین اهداف

افراد باید قدرت انتخاب و مسئولیت‌پذیری در مسیر رشد خود را داشته باشند. محیط‌های آموزشی ای که دانش‌آموزان را به اتخاذ تصمیمات مستقل و مسئولانه تشویق می‌کنند، موجب انگیزش پایدارتر می‌شوند (Deci & Ryan, 2000).

۲/۴. طراحی برنامه‌های انگیزشی در روان‌شناسی انسان‌گرا

در روان‌شناسی انسان‌گرا، طراحی برنامه‌های انگیزشی بر اصول رشد فردی و تحقق پتانسیل‌ها تمرکز دارد.

۲/۴/۱. تأکید بر یادگیری تجربی و خلاقانه

راجرز (۱۹۸۳) تأکید می‌کند که یادگیری زمانی موثر است که بر اساس تجربه، خلاقیت و تعاملات واقعی صورت گیرد. او معتقد بود که محیط یادگیری باید منعطف، بدون تهدید و مبتنی بر تعاملات باز و پویا باشد.

۲/۴/۲. استفاده از تکنیک‌های انگیزشی مبتنی بر خودمختاری

طبق نظریه خودتعیین‌گری، افراد در محیط‌هایی که به آن‌ها اجازه انتخاب و کنترل داده می‌شود، انگیزه بیشتری دارند. خلاصه: در رویکرد انسان‌گرایانه، انگیزش پایدار از راه تقویت خودمختاری، خلاقیت و احساس شایستگی شکل می‌گیرد. راهکارهایی مانند حق انتخاب در یادگیری، حل مساله خلاقانه و بازخورد مثبت، انگیزش درونی را افزایش می‌دهند (Ryan & Deci, 2017).

۲/۵. ایجاد محیط مناسب برای انگیزش

یکی از اصول کلیدی روان‌شناسی انسان‌گرا، فراهم‌سازی محیطی است که یادگیری را تسهیل کرده و انگیزش درونی را تقویت کند. مازلو (Maslow, 1943) و راجرز (Rogers, 1951) بر اهمیت فضایی حمایتی و ایمن تأکید کرده‌اند که در آن فرد بتواند بدون ترس از تنبیه

سختگیرانه رشد کند. چنین محیطی، احساس امنیت روان‌شناختی را تقویت کرده و موجب می‌شود یادگیرندگان با انگیزه‌ای درونی به دنبال تحقق خود باشند. در این راستا، معلمان و والدین نقش بسزایی در ایجاد فضایی دارند که در آن دانش‌آموزان احساس ارزش‌مندی، استقلال و حمایت را تجربه کنند ((Deci & Ryan, 2000). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که والدین و معلمان که تعامل مثبت و غیر کنترل‌کننده با کودکان دارند، موجب افزایش انگیزش درونی آنان می‌شوند ((Reeve, 2018).

۲/۶. اجرای فعالیت‌های انگیزشی

در رویکرد انسان‌گرا، اجرای فعالیت‌های انگیزشی باید به گونه‌ای باشد که یادگیری را به یک تجربه معنادار و مشارکتی تبدیل کند. یادگیری فعال و مشارکتی از دیدگاه راجرز (۱۹۶۹) به عنوان یکی از عوامل مهم انگیزش درونی معرفی شده است، زیرا به فرد اجازه می‌دهد در فرآیند یادگیری نقش فعالی ایفا کند و با محتوای آموزشی تعامل داشته باشد (Rogers, 1969). آزادی عمل در فرآیند یادگیری از دیدگاه نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان (۱۹۸۵) نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که این امر موجب افزایش احساس کنترل بر یادگیری و در نتیجه تقویت انگیزش درونی می‌شود (Deci & Ryan, 1985). پژوهش‌ها تأکید دارند که ارائه گزینه‌های یادگیری و فرصت‌های تصمیم‌گیری به دانش‌آموزان، مشارکت و انگیزش آن‌ها را افزایش می‌دهد (Ryan & Deci, 2017).

۲/۷. تشویق در روان‌شناسی انسان‌گرا

روان‌شناسی انسان‌گرا، تشویق را بستری برای تحقق خویش‌تن و رشد درونی فرد می‌داند. در این مکتب، برخلاف رفتارگرایی که تشویق را ابزاری بیرونی می‌نگرد (Skinner, 1953, p. 82)، ماهیت تشویق معنا‌ساز، درون‌زا و تسهیل‌کننده خودانگیختگی تلقی می‌شود (Rogers, 1961, p. 33).

۲/۷/۱. تشویق و خودشکوفایی

مطابق با نظریه مازلو، تشویق باید زمینه بروز استعدادهای نهفته و حرکت به سوی خودشکوفایی

را فراهم کند (Maslow, 1970, p. 46). این نوع تشویق، بر خلاقیت و خودمختاری فرد استوار است.

۲/۷/۲. پذیرش بی قید و شرط

راجرز تأکید می‌کند که تشویق موثر بر مبنای پذیرش غیر مشروط فرد و ارائه بازخوردهای اصیل و همدلانه شکل می‌گیرد (Rogers, 1961, p. 105-112). ساختگی بودن تشویق می‌تواند به تضعیف انگیزش درونی منجر شود.

۲/۷/۳. نظریه خودتعیینی

براساس دیدگاه دسی و رایان، تشویق باید سه نیاز روان‌شناختی بنیادین شامل شایستگی (احساس توان‌مندی)، استقلال (خودمختاری در انتخاب) و ارتباط (حس تعلق اجتماعی) را ارضا کند (Deci & Ryan, 2000, p. 68).

۲/۸. بازخورد و ارزیابی در روان‌شناسی انسان‌گرا

ارزیابی در روان‌شناسی انسان‌گرا نه تنها باید به یادگیرنده کمک کند، تا درک بهتری از فرآیند یادگیری خود داشته باشد، بلکه باید به گونه‌ای باشد که انگیزش درونی را تقویت کند. خودارزیابی و بازخورد غیر قضاوتی از دیدگاه راجرز (۱۹۶۱) به عنوان روی‌کردی اثربخش در افزایش خودکارآمدی و رشد فردی شناخته شده است (Rogers, 1961). این نوع بازخورد به جای تأکید بر نمره‌دهی و قضاوت ارزشی، فرد را به بازتاب و خودشناسی سوق می‌دهد. افزون بر این، دسی و رایان (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که تقویت انگیزش درونی به جای وابستگی به پاداش‌های بیرونی، یادگیرندگان را به تجربه یادگیری عمیق‌تر و پایدارتری سوق می‌دهد (Deci & Ryan, 2000).

جدول (۲) نظریه انسان‌گرایان در مؤلفه‌های فرایندی انگیزش تربیتی

مؤلفه‌ها	توضیح در نظریه انسان‌گرایی
تحلیل نیازها	نیازها بر اساس نظریه مازلو و خودمختاری فردی تحلیل شده و بر خودشکوفایی و نیازهای روان‌شناختی تمرکز دارد.

مؤلفه‌ها	توضیح در نظریه انسان‌گرایی
تعیین اهداف	اهداف شامل رشد شخصی، خودشکوفایی، تحقق توان‌مندی‌ها و احساس کفایت فردی است.
طراحی برنامه	برنامه بر اساس تقویت تجربه‌های یادگیری، آموزش‌های تجربی، تعاملات اجتماعی و توسعه مهارت‌های فردی طراحی می‌شود.
ایجاد محیط مناسب	محیط باید حمایت‌کننده، آزاد، عاری از اجبار و مناسب برای رشد خلاقیت و خودمختاری باشد.
اجرای فعالیت‌ها	روش‌های یادگیری مشارکتی، آموزش تجربی، آزادی در تصمیم‌گیری و تأکید بر انگیزه‌های درونی اجرا می‌شود.
بازخورد	بازخورد با تأکید بر حمایت روانی، تشویق فرد به کشف استعدادها و اصلاح مسیر یادگیری ارائه می‌شود.
تشویق	تشویق مبتنی بر تأیید اجتماعی، موفقیت شخصی و افزایش حس ارزش‌مندی و عزت‌نفس است.
ارزیابی و بازنگری	ارزیابی با تأکید بر رشد فردی، پیشرفت شخصی، انعطاف‌پذیری و خودارزیابی صورت می‌گیرد.

بخش سوم؛ تطبیق دیدگاه‌های اسلامی و انسان‌گرا

در این بخش، به مقایسه و بررسی هم‌پوشانی دیدگاه‌های اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا در خصوص مفاهیم انگیزشی و تربیتی می‌پردازیم:

۳/۱. تحلیل نیازها در روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در ژرفای هستی انسان، نیازها سرچشمه حرکت‌اند. سرچشمه‌ای که در دوروی کرد بنیادین اسلامی و انسان‌گرایانه، به‌شیوه‌های متفاوت معنا یافته‌اند، اما حلقه مشترک آن‌ها، باور به نقش تعیین‌کننده نیاز در جهت‌دهی به انگیزش تربیتی است.

نیاز انسان در دیدگاه اسلامی، نه تنها بازتاب کمبودهای زیستی یا روانی، بلکه جلوه‌ای از فطرت الهی است. فطرتی که به‌سوی تعالی، عبودیت و اخلاق نیکو میل می‌کند. در این چشم‌انداز قدسی، نیاز به‌پرورش شخصیت، احساس مسئولیت اجتماعی و پیوند وجودی با خداوند، عناصر محوری‌اند. تربیت در این نظام، از منبع وحی تغذیه می‌کند و به‌سوی ساختن انسان مؤمن، متعهد و موحد ره می‌سپارد.

در نقطه‌ی مقابل، روان‌شناسی انسان‌گرا، با بهره‌گیری از مدل سلسله‌مراتبی مازلو، نیازها را از سطوح پایه‌ای فیزیولوژیکی تا قله‌ی خودشکوفایی فردی سامان می‌دهد. این روی‌کرد، انسان را موجودی در جست‌وجوی تحقق خویش، ابراز فردیت و پرورش استعدادهای شخصی می‌بیند. جریانی که در آن، رشد درونی به‌واسطه‌ی آزادی، احترام به‌خویش و تحقق بالقوگی‌ها معنا می‌یابد.

با کنار هم نهادن این دو دیدگاه، مشخص می‌شود که گرچه هر دو بر اهمیت ساخت نیازها در تحریک انگیزش تأکید دارند، اما نقطه‌ی تمرکز آن‌ها متفاوت است. روی‌کرد اسلامی، نیاز را پلی به‌سوی فضیلت، مسئولیت الهی و انسجام دینی می‌داند؛ در حالی که انسان‌گرایی، نیاز را مسیری به‌سوی آزادی درونی و تحقق فردی تفسیر می‌کند. در این میان، مفهوم «تعلق» نیز به‌گونه‌ای دوگانه معنا می‌شود: تعلق، در اسلام، به‌معنای پیوستگی به‌امت و مسئولیت در قبال جمع است، اما در انسان‌گرایی، به‌معنای پذیرش تنوع اجتماعی و تنوع‌گرایی فردی تمرکز می‌کند.

بنابراین، تحلیل نیازها در هر روی‌کرد، چشم‌انداز تربیتی خاصی را ترسیم می‌کند. آموزه‌های اسلامی، فراخوانی است به‌سوی معنا، کمال و بندگی خداوند؛ اما انسان‌گرایانه، دعوتی است به‌سوی تحقق فردیت در پرتو خودانگیختگی. همین تمایز معرفتی، نقشه‌ی راهی متمایز برای نظام‌های آموزشی و الگوهای انگیزش پایدار پیش چشم می‌گذارد.

۳/۲. تعیین اهداف در فرایند انگیزش تربیتی

در تربیت اسلامی، اهداف آموزشی بر پایه‌ی وحی، با محوریت قرب الهی، تزکیه‌ی نفس و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعریف می‌شوند. در مقابل، انسان‌گرایی بر خودمختاری فردی، تحقق استعدادهای و رشد درونی تمرکز دارد. هر دو روی‌کرد، نقش تعیین اهداف را در انگیزش

موثر می‌دانند، اما تفاوت بنیادین آن‌ها در خاستگاه و جهت‌گیری اهداف است؛ الف. اسلامی: الهی و جامعه‌محور؛ ب. انسان‌گرایانه: درونی و فردمحور.

۳/۳. طراحی برنامه آموزشی در دیدگاه اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا

در روی‌کرد اسلامی، برنامه‌ریزی آموزشی بر پایه وحی، اخلاق و تربیت انسان متعبد با محتوایی چون قرآن، حدیث و الهیات شکل می‌گیرد؛ در حالی که روان‌شناسی انسان‌گرا بر خودآگاهی، خودشکوفایی و نیازهای فردی تأکید دارد و برنامه‌ای انعطاف‌پذیر و تربی‌محور ارائه می‌دهد. منبع انگیزش در اسلام، ایمان و پاداش اخروی است، اما در انسان‌گرایی، منبع انگیزش، نیازهای ذاتی فرد است. هم‌چنین، معلم در اسلام، راهبر اخلاقی و دینی است، اما در انسان‌گرایی نقش تسهیل‌گر دارد. این تفاوت‌ها، بازتاب تفاوت‌های عمیق در مبانی، اهداف و روش‌های انگیزشی هر دو روی‌کرد است.

۳/۴. ایجاد محیط مناسب در روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در تربیت اسلامی، محیط آموزشی محوری برای تقویت ایمان، اخلاق و ارزش‌های دینی است و با ابزارهایی چون دعا، هنر اسلامی و آموزه‌های قرآنی، به تربیت معنوی دانش‌آموز می‌پردازد، در حالی که روی‌کرد انسان‌گرایانه، محیط را عرصه‌ای برای شکوفایی فردی، خلاقیت و خودآگاهی می‌داند. هر دو دیدگاه، محیط را عنصر کلیدی انگیزش می‌دانند، اما یکی آن را آینه‌ای از وحی و دیگری بستری برای خودآفرینی تلقی می‌کند. این تفاوت در نگرش، مسیر تربیت و ساختار انگیزشی انسان مطلوب را به‌طور بنیادین متمایز می‌سازد.

۳/۵. اجرای فعالیت‌ها در روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در فرآیند تربیت، اجرای فعالیت‌ها نقشی کلیدی در تقویت انگیزش ایفا می‌کند و دو روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه، با وجود تفاوت‌های فلسفی، بر اهمیت آن تأکید دارند. در دیدگاه اسلامی، فعالیت‌ها با محوریت عبادت، اخلاق و اقتدای به‌الگوهای الهی، ساختاری هدف‌مند برای تعالی معنوی انسان فراهم می‌آورند. در مقابل، انسان‌گرایی بر تجربه‌محوری،

آزادی عمل و رشد درونی تأکید دارد؛ جایی که پروژه‌های خلاق و تعامل‌های آزادانه، انگیزش درونی را پرورش می‌دهند. هرچند روی‌کرد اسلامی غایت‌مدار و مبتنی بر ارزش‌های ثابت است و روی‌کرد انسان‌گرایانه، فردمحور و سیال، اما هر دو، فعالیت تربیتی را بستری اساسی برای رشد انگیزشی می‌دانند؛ یکی با التزام، دیگری با انتخاب است.

۳/۶. بازخورد در فرآیند انگیزش تربیتی از منظر روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در فرآیند انگیزش تربیتی، بازخورد در روی‌کرد اسلامی، ابزاری هدایت‌گر بر پایه ارزش‌های وحیانی است که با نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر، مسیر رشد اخلاقی و تقرب الهی را می‌گشاید، اما در دیدگاه انسان‌گرایانه، بازخورد وسیله‌ای برای خودکاو، خودمختاری و شکوفایی درونی فرد است، بی‌آنکه ارزشی بر او تحمیل شود. مقایسه این دو نگرش، تفاوتی بنیادی را در هدف، روش و فلسفه بازخورد نشان می‌دهد: یکی تعهدآفرین و معنویت‌محور و دیگری آزادی‌بخش و تجربه‌محور است.

۳/۷. تشویق، در فرآیند انگیزش تربیتی از منظر روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در پی تحلیل نقش بازخورد در انگیزش تربیتی، جایگاه تشویق در دو دستگاه فکری اسلام و انسان‌گرایی برجسته می‌شود. هرچند این دو روی‌کرد در مبانی متفاوت‌اند، اما هر دو، تشویق را ابزاری بنیادین برای شکوفایی استعدادها می‌دانند. در نگرش اسلامی، تشویق با تکیه بر عدالت، عقلانیت و هدف‌مندی اخروی، ابزاری برای رشد اخلاقی و پیوند میان دنیا و ارزش‌های متعالی است؛ در حالی که روان‌شناسی انسان‌گرا، با تأکید بر خودمختاری و نیازهای فطری، تشویق را فرایندی درونی برای انگیزش و رشد فردی تلقی می‌کند. در نهایت، هر دو دیدگاه، تشویق را عنصری حیاتی در تربیت انسان جامع‌نگر می‌دانند که با به‌کارگیری حکیمانه، موجب شکوفایی انگیزش درونی می‌شود.

۳/۸. ارزیابی و بازنگری در فرآیند انگیزش تربیتی از منظر روی‌کرد اسلامی و انسان‌گرایانه

در منظومه تربیتی، ارزیابی نقشی حیاتی در پویایی انگیزش دارد و ابزاری برای هدایت،

بازآفرینی و نوسازی انگیزه‌ها به‌شمار می‌رود. در نگرش اسلامی، ارزیابی با تکیه بر هدف‌مندی الهی و معیارهای وحیانی، فرایندی آموزگارمحور و غایت‌مدار برای سنجش میزان تقرب به حق است. در مقابل، روان‌شناسی انسان‌گرا، ارزیابی را فرایندی درونی، سیال و خودمحور می‌داند که با ابزارهایی چون خودارزیابی و پرتفوی یادگیری، مسیر شکوفایی فرد را هموار می‌سازد. با وجود تفاوت در اهداف نهایی - تقرب الهی در اسلام و تحقق خود در انسان‌گرایی - هر دو روی‌کرد، ارزیابی را ضرورتی راهبردی در انگیزش تربیتی تلقی می‌کنند، نه پایان راه، بلکه آغازی برای بازتولید انگیزه و بازسازی مسیر رشد است.

شباهت‌های الگوی انگیزش در اسلام و روان‌شناسی انسان‌گرا

اسلام و روان‌شناسی انسان‌گرا هر دو بر انگیزش درونی، رشد فردی و اهمیت خودآگاهی تأکید دارند. در دیدگاه اسلامی، انگیزش درونی با مفاهیمی چون فطرت الهی، تمایل به خیر و میل به کمال تبیین می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰). مشابه این روی‌کرد، مازلو (۱۹۴۳) و راجرز (۱۹۶۱) نیز انگیزش را به‌عنوان نیرویی درونی برای تحقق خود و دستیابی به رشد فردی معرفی کرده‌اند (Maslow, 1943; Rogers, 1961).

هم‌چنین، هر دو دیدگاه بر نقش محیط در ایجاد انگیزش پایدار تأکید دارند. در اسلام، محیط اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی در شکل‌دهی انگیزش موثر دانسته شده است (قرآن کریم، سوره تحریم: ۶). به‌طور مشابه، روان‌شناسان انسان‌گرا معتقدند که محیطی حمایتی، آزاد از فشارهای بیرونی، موجب رشد انگیزش درونی و خودمختاری می‌شود (Deci & Ryan, 1985).

تفاوت‌های اساسی میان این دو دیدگاه

با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های بنیادینی میان انگیزش در اسلام و روان‌شناسی انسان‌گرا وجود دارد:

- **مبانی الهی در مقابل مبانی سکولار:** انگیزش در اسلام بر پایه معرفت‌شناسی الهی، مفهوم عبودیت و هدف‌مندی آفرینش است (صدر، ۱۹۸۱)، در حالی که در روان‌شناسی انسان‌گرا، روی‌کردی سکولار اتخاذ شده و رشد فردی به‌عنوان هدف نهایی تلقی می‌شود (Maslow, 1954).

- هدف نهایی در تربیت: در اسلام، انگیزش در راستای تحقق «قرب الهی» و رسیدن به کمال معنوی تعریف شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰)، در حالی که در رویکرد انسان‌گرایانه، تحقق خود و رضایت فردی هدف اصلی شمرده می‌شود (Rogers, 1969).

- تفاوت در شیوه‌های تشویق و ارزیابی: در اسلام، تشویق و تنبیه در چارچوب عدالت و حکمت الهی تعریف شده است و معیار ارزیابی بر اساس عمل صالح و تقوا است (قرآن کریم، سوره زلزال: ۷-۸). در مقابل، رویکرد انسان‌گرا بر بازخورد غیر قضاوتی و خودارزیابی تأکید دارد، به گونه‌ای که یادگیرنده خود مسئول رشد و پیشرفت خویش باشد (Deci & Ryan, 2000).

ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد

رویکرد اسلامی و روان‌شناسی انسان‌گرا هریک دارای نقاط قوت و چالش‌های خاص خود هستند:

- نقاط قوت مدل اسلامی: اسلام با ارائه یک نظام جامع انگیزشی که بر معنایابی، فطرت الهی و پیوند انگیزش با اخلاق و معنویت استوار است، به ایجاد انگیزش پایدار و معنادار کمک می‌کند (مطهری، ۱۳۷۰).

- نقاط قوت مدل انسان‌گرا: تأکید بر استقلال، خودمختاری و توان‌مندسازی فردی از مهم‌ترین مزایای این رویکرد است که موجب رشد اعتماد به نفس و خلاقیت در یادگیرندگان می‌شود (Reeve, 2018).

- بررسی امکان همگرایی و ترکیب دو دیدگاه: برخی پژوهش‌گران پیشنهاد می‌کنند که ترکیب این دو رویکرد می‌تواند مدلی جامع‌تر از انگیزش را ارائه دهد که هم بر معنویت و رشد اخلاقی تأکید دارد و هم استقلال و خودمختاری را تقویت می‌کند (Nasr, 2002).

این تحلیل تطبیقی، ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق میان دو رویکرد، امکان بهره‌گیری از نقاط قوت هریک را در راستای ارتقای انگیزش در آموزش بررسی می‌کند.

جدول (۳) تشابهات و تفاوت‌های دو رویکرد در مؤلفه‌های فرایندی انگیزش تربیتی

مؤلفه‌ها	تشابهات	تفاوت‌ها
تحلیل نیازها	هر دو نظریه به‌شناخت نیازها به‌عنوان نقطه آغازین انگیزش تأکید دارند.	اسلام بر فطرت و نیازهای معنوی تأکید دارد، در حالی که انسان‌گرایی بر نیازهای روان‌شناختی و خودشکوفایی متمرکز است.
تعیین اهداف	هر دو رویکرد به‌تعیین اهداف مشخص برای رشد فردی اهمیت می‌دهند.	اهداف اسلامی معطوف به‌تقرب الهی و تهذیب نفس است، اما در انسان‌گرایی بر خودشکوفایی و رضایت فردی تمرکز دارد.
طراحی برنامه	هر دو نظریه بر تناسب برنامه با نیازها و اهداف تأکید دارند.	اسلام از وحی و آموزه‌های دینی بهره می‌گیرد، اما انسان‌گرایان از روش‌های علمی و تجربی استفاده می‌کنند.
ایجاد محیط مناسب	هر دو نظریه محیط را عامل کلیدی در انگیزش می‌دانند.	اسلام محیط را معنوی و اخلاقی می‌خواهد، اما انسان‌گرایی بر حمایت‌گری، آزادی و خودمختاری تأکید دارد.
اجرای فعالیت‌ها	هر دو نظریه به‌روش‌های موثر برای آموزش و یادگیری توجه دارند.	اسلام بر عبادت، الگوگیری دینی و عمل صالح تأکید دارد، در حالی که انسان‌گرایی روش‌های مشارکتی و تجربه‌محور را ترجیح می‌دهد.
بازخورد	هر دو نظریه بازخورد را برای اصلاح و بهبود فرایند موثر می‌دانند.	در اسلام، بازخورد با نصیحت و خیرخواهی همراه است، اما در انسان‌گرایی بر حمایت روانی و تشویق فردی تأکید می‌شود.

مؤلفه‌ها	تشابهات	تفاوت‌ها
تشویق	هر دو نظریه تشویق را برای تداوم انگیزش ضروری می‌دانند.	تشویق اسلامی معنوی و اخروی است، اما در انسان‌گرایی بر تحسین اجتماعی و احساس موفقیت شخصی تأکید می‌شود.
ارزیابی و بازنگری	هر دو نظریه به اهمیت ارزیابی در بهبود مستمر فرایند اشاره دارند.	اسلام معیارهای دینی و اخلاقی را در ارزیابی لحاظ می‌کند، در حالی که انسان‌گرایی بر رشد فردی و خودارزیابی تمرکز دارد.

این جدول، مقایسه‌ای جامع بین این دو روی‌کرد ارائه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها را به وضوح مشخص می‌کند.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد که روان‌شناسی انسان‌گرا و روی‌کرد اسلامی به انگیزش، هر دو بر اهمیت انگیزش درونی، رشد فردی و محیط حمایتی تأکید دارند. نظریه‌های مازلو (۱۹۴۳)، راجرز (۱۹۶۱) و دسی و رایان (۱۹۸۵) بر خودمختاری، تحقق خود و نیازهای روان‌شناختی تأکید دارند (Deci & Ryan, 2000). در مقابل، دیدگاه اسلامی، انگیزش را با مفاهیم فطرت، هدف‌مندی الهی و تعالی معنوی پیوند می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰).

تفاوت‌های بنیادین شامل مبانی الهی در مقابل روی‌کرد سکولار، هدف نهایی تربیت (قرب الهی در اسلام در برابر خودشکوفایی در انسان‌گرایی) و تفاوت در شیوه‌های ارزیابی و پاداش‌دهی بود (Reeve, 2018). هر دو دیدگاه نقاط قوت خاصی دارند: روی‌کرد اسلامی انگیزش پایدار و معنادار ایجاد می‌کند، در حالی که روان‌شناسی انسان‌گرا بر استقلال و خودمختاری فردی تمرکز دارد.

با توجه به مزایا و چالش‌های هر دو دیدگاه، یک مدل ترکیبی پیشنهاد می‌شود که نقاط قوت هر دو روی‌کرد را در بر گیرد:

- انگیزش درونی و هدف‌مندی: بهره‌گیری از اصول انسان‌گرا برای ایجاد انگیزش درونی در کنار پیوند آن با هدف‌مندی معنوی.

- محیط یادگیری حمایتی: ترکیب روش‌های خودمختاری و یادگیری تجربی از دیدگاه انسان‌گرا با تربیت اخلاقی و معنوی در اسلام.

- خودارزیابی و مسئولیت‌پذیری: استفاده از روش‌های بازخورد غیر قضاوتی به‌همراه معیارهای اخلاقی و تربیتی در ارزیابی عمل‌کرد (Deci & Ryan, 2000؛ مطهری، ۱۳۷۰).

- تعادل بین استقلال و هدایت: ایجاد تعادل میان پرورش استقلال فردی و هدایت آموزشی مبتنی بر ارزش‌های دینی.

نتیجه آن‌که تحلیل تطبیقی صورت‌گرفته میان دیدگاه‌های اسلامی و انسان‌گرایانه در مؤلفه‌های فرایندی انگیزش تربیتی، نشان داد که هر دو روی‌کرد علی‌رغم تفاوت‌های مبنایی، ساختاری فرایندی را در تربیت دنبال می‌کنند. در امتداد این مسیر، دیدگاه اسلامی، انگیزش را در پیوندی ناگسستنی با ابعاد معنوی، التزام دینی و اهداف الهی تفسیر می‌کند، در حالی که روی‌کرد انسان‌گرایانه، بر خودشکوفایی، تحقق نیازهای روان‌شناختی و رشد فردی تأکید ویژه دارد.

از دل این تحلیل، این نتیجه حاصل می‌شود که تلفیق نقاط قوت هر دو روی‌کرد - نظیر جهت‌دهی الهی در دیدگاه اسلامی و اصالت رشد فردی در دیدگاه انسان‌گرایانه - می‌تواند بستری نوآورانه برای طراحی الگوهای تربیتی جامع فراهم آورد، به‌ویژه در بافت‌های چندفرهنگی که نیازمند توجه توأمان به نیازهای معنوی و روان‌شناختی افراد هستند.

در راستای تکمیل این مسیر، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تمرکز بر قابلیت‌های عملی این ادغام مفهومی، به‌تدوین مدل‌های آموزشی کارآمدتر در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و تربیتی پردازند. به‌این ترتیب، فرایند انگیزش در تربیت می‌تواند همسو با اقتضائات معنوی و روانی بشر، شکوفایی حداکثری خود را باز یابد.

منابع

منابع فارسی - عربی

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، گردآوری سید رضی.

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، تعلیم و تربیت در فلسفه اسلامی. تهران: نشر حکمت، ۱۳۸۲.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة. بیروت: دار المعارف، ۱۴۱۵ق.
۵. ترمذی، محمد بن عیسی، السنن. بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۶. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در اسلام. قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم، ۱۴۲۵ق.
۹. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سمت، ۱۳۷۵.
۱۰. صدر، محمدباقر، الأسس المنطقية للاستقراء. بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۱.
۱۱. صدر، محمدباقر، المدرسة القرآنية. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴.
۱۲. صدر، محمدباقر، اقتصادنا. بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۰ق.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۷ق.
۱۶. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء. قم: دار الرضا، ۱۳۸۴.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. تهران: دار الكتاب های الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۸. مازلو، آبراهام، نظریه ای درباره انگیزش انسانی. مجله روان شناسی (۴۵۰، ۳۷۰)، ۱۹۴۳.

۱۹. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم. بیروت: دار الجیل، ۱۴۲۱ق.
۲۰. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
۲۱. نصر، سید حسین، دانش و معنویت در اسلام. لندن: کورنل یونیورسیتی پرس، ۲۰۰۲.

منابع لاتین

1. Deci, E. L. , & Ryan, R. M (1985). Intrinsic motivation and self-determination in human behavior. Springer Science & Business Media.
2. Deci, E. L. , & Ryan, R. M (1985). Self-Determination Theory.
3. Deci, E. L. , & Ryan, R. M (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11 (4), 227-268.
4. Maslow, A. H (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50 (4), 370-396.
5. Maslow, A. H (1970). *Motivation and Personality*. Harper & Row.
6. Reeve, J (2018). *Understanding motivation and emotion*. Wiley.
7. Rogers, C. R (1951). *Client-centered therapy: Its current practice, implications and theory*. Houghton Mifflin.
8. Rogers, C. R (1961). *On becoming a person: A therapist's view of psychotherapy*. Houghton Mifflin.
9. Rogers, C. R (1969). *Freedom to learn: A view of what education might become*. Charles E. Merrill Publishing.
10. Rogers, C. R (1983). *Freedom to Learn*. Merrill.
11. Ryan, R. M. , & Deci, E. L (2017). *Self-determination theory: Basic psychological*
12. *needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Publications.
13. Reeve, John (2018). *Understanding Motivation and Emotion*. Wiley.